

ناگفته‌های مهم یاسر هاشمی در گفت‌وگوی تفصیلی با خبرگزاری آنا:

## آیت‌الله هاشمی از مدیران دانشگاه آزاد اسلامی فقط کار می‌خواست و پاسخ به مخالفان و موضوعات بیرونی دانشگاه بر عهده او بود/ ایشان معتقد بود که نباید در جایگاه اتهام‌زنی قرار بگیریم و مثل مخالفان شویم

آیت‌الله هاشمی از مدیران دانشگاه آزاد اسلامی فقط کار می‌خواست و رسیدگی به مسائل حاشیه‌ای، پاسخ مخالفان و موضوعات بیرونی دانشگاه بر عهده ایشان بود زیرا اگر مدیران دانشگاه سرگرم مسائل حاشیه‌ای و... می‌شدند قطعاً دانشگاه آزاد اسلامی نتیجه امروز را نمی‌گرفت.

شاهرخ زبردست، علی فراهانی - گروه دانشگاه خبرگزاری آنا: امروز اولین سال بدون آیت‌الله هاشمی برای همه ما آغاز می‌شود. سال بد دیگر تمام شده است و سال نو بدون آن‌ها که در زمان مانده‌اند آغاز می‌شود. تلخی رفتن‌ها همیشه وقتی شلوغی هم‌دردی و سر زدن‌ها تمام می‌شود کم‌کم قدرتش را نشان می‌دهد. برای همه این‌طور است، حتی برای فرزندان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که پدرشان روزی در سال گذشته ناگهانی با دنیا وداع کرد. اما هنوز این رفتن آن قدر نزدیک و آن قدر بزرگ هست که هر گفت‌وگویی با نزدیکان او را تحت تاثیر قرار دهد؛ درست مثل همین گفت‌وگو با فرزند کوچکتر آیت‌الله که قرار بود بخش بزرگی از آن مربوط به دانشگاه آزاد اسلامی باشد اما...

نام‌یاسر هاشمی رفسنجانی نیاز به معرفی چند کلمه‌ای معمول مصاحبه‌ها هم ندارد. برای گفت‌وگو با این چهره شناخته‌شده باید هم آمار و ارقام گذشته و حال دانشگاه آزاد اسلامی را بدانی و هم حافظه خوبی درباره تحولات چند سال اخیر این دانشگاه داشته باشی. او با بغض و همراه با اشک درباره پدرش حرف می‌زند. گلایه‌های زیادی هم از نامهربانان دارد، اما ترجیح می‌دهد کمتر درباره آن‌ها صحبت کند. مصاحبه با یاسر هاشمی در سالی که پر از فراز و نشیب بوده کار بسیار دشواری است. زمان محدود است و حرف بسیار و ما هم سوال‌های زیادی داریم. موضوع را ابتدا از مرحوم هاشمی رفسنجانی در دفتر کار آقا یاسر آغاز کردیم و او میزبان ما و پرسش‌های صریحمان شد.

در ادامه متن کامل گفت‌وگوی یاسر هاشمی، رئیس دفتر هیأت امنای دانشگاه آزاد اسلامی را می‌خوانید:

نزدیک به سه ماه از ارتحال بنیانگذار دانشگاه آزاد اسلامی می‌گذرد، آیا توانسته‌اید با فقدان ایشان کنار بیایید؟

خیر. حالمان بدتر شده، اما بهتر نشده است. از زمانی که آقای هاشمی فوت کردند، دور و برمان شلوغ است و همه؛ حتی مخالفان و کسانی که از آن‌ها توقع و انتظار نداشتیم به انحای مختلف به ما محبت داشتند. اما در زمان تنهایی و خلوت، یاد و خاطره آقای هاشمی به سراغمان می‌آید و ما را به فکر فرو می‌برد. به قول معروف خاک سرد است و بعد از یک

سال شرایط روحی و جسمانی آدم‌ها بعد از فوت عزیزانشان به حالت اولیه بر می‌گردد و همه چیز عادی می‌شود، اما بعید می‌دانم که مادرم، خواهران و برادرانم به این زودی‌ها با فقدان آقای هاشمی کنار بیاییم. من هم مانند خانواده‌ام (خواهر و برادر) سعی می‌کنیم با سفرهای کاری و گفت‌وگو با رسانه‌ها تا حدودی آن هم به صورت موقت با این مسأله کنار بیاییم.

آیت الله هاشمی، شخصیت بزرگی داشتند و بسیاری پس از فقدان ایشان برای آینده کشور ابراز نگرانی می‌کنند. در پاسخ به پرسش قبلی فرمودید که خانواده با گفت‌وگو و مصاحبه با رسانه‌ها، سعی بر تشریح شخصیت ایشان دارند. اما درباره ویژگی‌ها و شخصیت ایشان در منزل و رفتار آیت الله هاشمی با خانواده؛ کمتر مطلبی منتشر شده است.

پرسش خوبی را مطرح کردید و اتفاقاً درباره این موضوع تمایل دارم صحبت کنم. آقای هاشمی از نظر نگاه پدری، شخصیت کاملی داشت. در محیط خانواده، از پرداخت به مباحث سیاسی دوری می‌کردیم. پدر در خانواده نقش پشتوانه فرزندان را برعهده دارد و طبیعتاً آقای هاشمی هم مانند همه پدران، پشتوانه خوبی برای فرزندان بود. ایشان شرایط و وضعیت فرزندان، عروس‌ها، دامادها و نوه‌ها را به طور کامل رصد می‌کردند و از همه اتفاقاتی که در خانواده وجود داشت مطلع بود. گاهی فکر می‌کردیم که آقای هاشمی از یک اتفاق پیش آمده در خانواده ولو کوچک خبر ندارد، اما متوجه می‌شدیم اولین کسی که از موضوع باخبر شده، آقای هاشمی است. به هر حال ایشان به دلیل ارتباط خوبی که با همه داشتند از تمام مسائل با خبر می‌شدند.

البته مرحوم هاشمی از شخصیت احساسی و عاطفی هم برخوردار بودند.

بله دقیقاً. آیت الله هاشمی علاوه بر اینکه شخصیت محکمی داشت در قبال بعضی مسائل نیز بسیار عاطفی و احساسی بود. همیشه آقای هاشمی همراه با گریه و اشک مسائل احساسی را مطرح و تعریف می‌کرد. به عنوان مثال، ایشان نزد امام (ره) با گریه، مسائل احساسی را بیان می‌کرد یا اواخر عمرشان، کتاب امیرکبیر را با گریه و اشک برای حضار می‌خواند.

در این باره خاطره‌ای دارید؟

شاید از نظر شماها این خاطره جالب نباشد، اما برای ما هست. ما معمولاً روزهای جمعه به منزل پدرم می‌رفتیم. به خاطر دارم که نزدیک سال (نوروز) بود، یکی از بچه‌های خانواده در اتاق حاج آقا دنبال تقویم نو می‌گشت و به آقای هاشمی گفت آقاجون تقویم نو نداری؟ پدرم به همراه نوه‌اش در حال جست‌وجوی تقویم بودند که پیدا هم نکردند. بعدها بار دیگر در یکی از روزهای جمعه به منزل آقای هاشمی رفتیم و ما هم موضوع تقویم را به یاد نداشتیم؛ بعد از چند دقیقه آقای هاشمی به نوه‌اش (سارا) گفت دخترم بالاخره تقویم نو پیدا کردم. از بیان این خاطره خواستم به این مقصود برسم که آقای هاشمی با تمام مشغله کاری که داشت حواسش به همه چیز بود و برای او ارزش داشتند. بنابراین محال بود که پدرم

موضوعات و مسائل را فراموش کند. آقای هاشمی از تک تک اعضای خانواده درباره تحصیلات، کارها و روابط کاری پرس و جو می‌کرد و خیلی پیگیر بود.

البته تصویر کلیشه‌ای که از دور به نظر می‌رسد وجود داشته باشد این است که آیت الله هاشمی مثل مسئولان دیگر خودش را وقف مسائل کشور و مسئولیت‌هایش کرده بود و دیگر وقتی برای خانواده نداشته است.

خیر، اصلاً. آدم بی‌نظم در هر شرایطی با کمبود زمان مواجه می‌شود، اما کسی که کارهای خودش را طبق برنامه و زمان‌بندی انجام می‌دهد دچار کمبود زمان نمی‌شود. آقای هاشمی با مشغله کاری فراوانی که داشتند، هیچ‌وقت با کمبود زمان مواجه نمی‌شد و همیشه برای خانواده خود وقت می‌گذاشت. حتی پدرم برای صله رحم هم نظم زمانی داشت. برخلاف دیگر علما و روحانیون؛ آقای هاشمی هیچ‌وقت زمانی را برای گپ و گفت‌وگو، گعده یا به قول معروف شب نشینی اختصاص نمی‌داد یعنی چنین موضوعی در رسم و روش ایشان وجود نداشت. البته شاید در دوران جوانی برای امور این چنینی وقت صرف می‌کرد ولی زمانی که مسئولیت گرفتند برنامه‌ای برای گپ و گفت‌وگو با دوستان خود نداشتند.

در سال‌های اخیر، مرحوم هاشمی وقت زیادی را برای دانشگاه آزاد اسلامی اختصاص داده بود، اهمیت دادن ایشان به دانشگاه به دلیل فشارهای بیرونی بود یا اینکه چون موسس دانشگاه آزاد اسلامی بودند زمان زیادی را برای آن صرف می‌کردند؟

اصل موضوع دانشگاه آزاد اسلامی هیچ‌گاه جزو وظایف کاری ایشان نبود بلکه آقای هاشمی به عنوان وظیفه ذاتی برای دانشگاه وقت می‌گذاشتند مانند صنعت مترو. یعنی زمانی که پدرم رئیس مجلس شورای اسلامی بود، راه‌اندازی مترو و رشد این صنعت در کشور را امری حیاتی می‌دانست و حتی در جلسات دولت هم برای پیگیری مترو شرکت می‌کرد در حالی که این قضیه جزو وظایف آقای هاشمی نبود، اما برای ایشان مهم به حساب می‌آمد. اگر در مسأله‌ای ورود می‌کردند بدانید که تشخیص دادند و وظیفه خود برای پیگیری آن را لازم دانستند. بنابراین پدرم هیچ‌وقت در پیگیری کارها مانند دانشگاه آزاد اسلامی کوتاهی نمی‌کرد. خصلت آقای هاشمی عمل‌گرایی بود یعنی زمانی که تصمیم بر اجرای کاری می‌گرفت برای آن زمان می‌گذاشت و به نحو احسن انجام می‌داد. اگر ایشان برای دانشگاه وقت نمی‌گذاشت قطعاً دانشگاه آزاد اسلامی مانند امروز نبود و به این اوج نیز نمی‌رسید.

اما در سال‌های گذشته حداقل به نظر می‌رسید حضور و تاثیر آیت‌الله هاشمی در دانشگاه آزاد اسلامی بیشتر شده است.

خب در آن برهه زمانی کسی مانند آقای هاشمی می‌توانست مشکلاتی را که برای دانشگاه آزاد اسلامی به وجود آمده بود، حل کند. بنابراین شاید برخی حضور و نقش ایشان را در آن مقطع زمانی پررنگ توصیف کنند. البته من بارها گفته

بودم که بعضی کارها مختص شخص آقای هاشمی بود و کسی جز ایشان نمی‌توانست آن‌ها را حل کند. به عنوان مثال، فقط آقای هاشمی می‌توانست با مخالفان دانشگاه آزاد اسلامی مقابله کند. اگر خاطرتان باشد زمانی که ایشان رئیس دولت سازندگی بودند به کابینه می‌گفت من از شماها فقط کار می‌خواهم و باید به وظایف کاری‌تان بپردازید و کارهای سیاسی‌تان را به من بسپارید. آیت‌الله هاشمی از مدیران دانشگاه آزاد اسلامی فقط کار می‌خواست و رسیدگی به مسائل حاشیه‌ای، پاسخ مخالفان و موضوعات بیرونی دانشگاه بر عهده ایشان بود زیرا اگر مدیران دانشگاه سرگرم مسائل حاشیه‌ای و... می‌شدند قطعاً دانشگاه آزاد اسلامی نتیجه امروز را نمی‌گرفت.

یعنی حضور بیشترشان به دلیل مشکلات بیشتری بود که به ایشان مربوط می‌شد؟

آیت‌الله هاشمی وقت زیادی را برای توجیه مخالفان دانشگاه آزاد اسلامی به ویژه در زمان آقای احمدی‌نژاد صرف کرد. مخالفان در آن زمان شمشیر را از رو بسته بودند که البته در یک مقطعی هم آمدند و دانشگاه آزاد اسلامی را گرفتند. در آن زمان، همه ناامید شده بودند به عبارتی دانشگاه آزاد اسلامی در آن مقطع، یک و نیم میلیون دانشجوی داشت، اما فقط و فقط در حد یک مو به هیأت موسس دانشگاه وابسته بود. ولی آقای هاشمی با همان یک مو و حلقه ظریف دانشگاه آزاد اسلامی را حفظ کرد و نگه داشت که با اتفاقات بعدی، دانشگاه آزاد اسلامی در ریل اصلی خود قرار گرفت.

در آن زمان، شرایط به گونه‌ای شده بود که من به عنوان شخصی که در هیأت امنای دانشگاه آزاد اسلامی حضور داشتم و فعال هم بودم، هیچ مکاتبه‌ای با آقای فرهاد دانشجو (رئیس پیشین دانشگاه آزاد اسلامی) برقرار نکردم زیرا حضور آن‌ها را قانونی نمی‌دانستم. حتی آقای دانشجو هم بارها به من گفته بود اگر کاری یا پیشنهادی دارید حتماً به ما مکاتبه کنید. اما اگر هم برگه یا اوراقی را امضا می‌کردم بر فرض قانونی دانستن آن افراد باید کار را انجام می‌دادم یعنی به نوعی به افراد غیرقانونی مشروعیت می‌دادم. بنابراین در آن مقطع ۱۸ ماهه، کارها را شفاهی پیگیری می‌کردم و مکاتبه‌ای هم با آن‌ها نداشتم.

این عکس که خیلی هم معروف شده است هم در همان زمان جلسه هیأت امنای دانشگاه از شما گرفته شده است؟ همین عکسی که حاج‌آقا نماز می‌خوانند و شما بعد از نماز چیزی به ایشان می‌گویید؟

در اتاق کناری، جلسه هیأت امنای دانشگاه آزاد اسلامی برگزار شده بود. البته جلسه خیلی بد و سنگینی هم بود. من و دکتر حمید میرزاده (رئیس فعلی دانشگاه آزاد اسلامی) به این نتیجه رسیدیم که این جلسه نباید ادامه داشته باشد و او از من خواست که در بین دو نماز به آقای هاشمی بگویم جلسه را ترک کند. من هم به پدرم گفتم بهتر است بعد از نماز، جلسه را ادامه ندهید اما آقای هاشمی مخالفت کرد و گفت که هیچ مشکلی وجود ندارد.

آیت‌الله هاشمی در قبال نامالایمات و اهانت‌ها هم صبور بودند. آیا به مرحوم هاشمی گفته بودید که پاسخ افتراها و توهین‌ها را بدهد و سکوت نکند؟ بالاخره هیچ فرزندی علاقه ندارد که کسی یا کسانی به پدرش توهین کند. پیش می‌آمد که عصبانی شوید و بخواهید پاسخی بدهید؟

درباره شایعات به دلیل ثبت در تاریخ مقید به پاسخ بودند و الا آقای هاشمی وقت خودشان را صرف چنین مسائلی نمی‌کرد. بارها به پدرم گفته بودم به ما اتهامات دروغ نسبت می‌دهند در حالی که خودشان همان اتهامات را دارند. پس ما هم آن‌ها را برای مردم علنی و رو کنیم. اما حاج‌آقا اجازه نمی‌دادند و می‌گفتند کار ما این کارها نیست. ایشان مقید به این بودند که نباید در جایگاه اتهام‌زنی قرار بگیریم و مانند آن‌ها شویم.

پروژه امحای زباله‌های مازندران را که بر عهده دانشگاه آزاد اسلامی است شما پیگیری می‌کنید؟

بله. این مسأله یکی از دغدغه‌های مهم حاج‌آقا بود و بارها تأکید داشت که باید به نتیجه مطلوب برسد. ما هم خیلی تلاش کردیم تا امحای زباله‌ها در زمان حیات آقای هاشمی به طور کامل اجرایی شوند. در دنیا واژه‌ای بنام مدیریت پسماند جا افتاده است و حتی در برخی دانشگاه‌ها و کشورها، مدرک دکتری برای مدیریت پسماند داده می‌شود. در ۱۰ یا ۱۵ سال اخیر زباله از یک کالای بی‌مصرف و غیرقابل استفاده به طلای کثیف تبدیل شده است. بنابراین می‌توان از طلای کثیف، ثروت‌های زیادی به دست آورد. متأسفانه ایران با امحای زباله‌ها به صورت علمی برخورد نمی‌کند و اگر بعضی کشورها در امحای زباله‌های نمره ۱۰۰ داشته باشند، ایران نمره صفر هم نمی‌گیرد.